

اسرار فضائل

حضرت فاطمه
سلام الله علیها

www.ketab.ir

محمد حسین یوسفی

سرشناسه : یوسفی، محمد حسین، ۱۳۴۳ -
 عنوان و نام پدیدآور : اسرار فضائل حضرت فاطمه علیها السلام / محمد حسین یوسفی
 مشخصات نشر : تهران : تک، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری : ۵۴۲ ص.
 شابک : 978-964-6737-26-6
 وضعیت فهرست نویسی : فیا
 یادداشت : کتابنامه: ص ۵۲۷-۵۴۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.
 موضوع : فاطمه زهرا علیها السلام، ۴۸ قبل از هجرت - ۱۱ ق - فضائل.
 رده بندی کنگره : ۱۳۹۲ ۵ الف ی ۹ / ۲ / ۲۷ BP
 رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۹۷۳
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۶۴۴۸۷

اسرار فضائل حضرت فاطمه سلام الله علیها

محمد حسین یوسفی

انتشارات تک

چاپ اول : ۳۰۰۰ نسخه

ربیع الاول ۱۴۳۵

مرکز پخش : نشر مولود کعبه

قم - خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۸، کوچه پنجم، پلاک ۷۹

تلفن : ۳۷۷۳۷۴۱۰ - فاکس : ۳۷۷۳۲۲۹۸ - صندوق پستی : ۳۷۱۵۳ - ۱۱۵۷

شابک ۶-۲۶-۶۷۳۷-۹۶۴-۹۷۸ □ 978-964-6737-26-6 ISBN

۲۵۵۰۰ تومان

تقدیم به پیشگاه تو ای ضلالت پاک زهر الیتیم

ای تنها یادگار فاطمه علیها السلام !
ای منتقم خون حبیب خدا!
ای آن که همه انبیا در انتظار روز انتقامت به سر برده و تمام اولیا برای ظهورت ثانیه شماری می کنند!
ای کسی که گل نشکفته شجره طیبه، مؤوده بر آن چشم به راه توست تا قطرات خونس را از قاتل شوم و بد کردارش باز ستانی!
ای آن که بازوی آماس کرده دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله جز با سیدی دلنشین و برق شمشیرت که از کنار کعبه خیزد، التیام نیابد!
ای امام مهربانی که قلب پاکت از پهلوی مادرت، شکسته تر و خون دلت از خون سینه آن مام جوان، رنگین تر و فکر غمردهات از تن خسته او آزرده تر، و آسمان روزگار غیبت از صورت سیلی خورده اش نیلگون تر است!
ای قائم آل پیامبر صلی الله علیه و آله ای مهدی موعود! ای که همه عالم تشنه نیم نگاه تواند! تنها امضای نورانی و خوشنودی قلب مهربان توست که دلم را شاد و نشاط خدمت بیشتری را در جسم و جانم ایجاد می نماید.

حیف باشد که تو باشی و مرا غم ببرد

تو که یک گوشه چشمت غم عالم ببرد

فهرست مطالب

۱۷	 محبت و مودت
۱۸	 محبت اهل بيت عليه السلام ، گوهری باک
۱۹	 محبت اهل بيت عليه السلام از در حالت
۲۳	 محبت یا مودت؟
۲۵	 مودت عطای خداوند
۲۶	 محبت اهل بيت عليه السلام فزاترین محبت ها
۲۷	 نکوهش کوتاهی در مودت!
۲۸	 ما و محبت اهل بيت عليه السلام
۲۹	 به سوی درجات عالی محبت
۳۰	 ۱. شکر نعمت
۳۲	 ۲. کسب معرفت
۳۶	 ۳. مطالعه تاریخ اهل بيت عليه السلام
۳۸	 شرح فضائل فاطمه زهرا عليها السلام
۳۸	 فضیلت نشر آثار و فضایل اهل بيت عليه السلام
۴۱	 کتاب حاضر و انگیزه تألیف آن
۴۳	 ۱. نام فاطمه عليها السلام زداينده فقر
۴۳	 برکات نام فاطمه عليها السلام
۴۵	 داشتن ثروت همراه با اسباب فقر!
۴۷	 اسباب فقر

۲. عنایت خداوند به اسامی فاطمه و اهل بیت علیهم السلام ۵۱
- نام‌های زیبای فاطمه علیها السلام ۵۱
- عنایت خدا و اهل بیت علیهم السلام به نام نیکو ۵۲
- برکات نام مقدس و نیکو ۵۴
- نام «فاطمه علیها السلام» در خاندان نبوت ۶۰
۳. احترام نام فاطمه علیها السلام ۶۳
- عقیده و رفتار جاهلیت با دختر ۶۵
- اسلام و دخترداری ۶۷
- تربیت فرزند در مکتب اهل بیت علیهم السلام ۶۹
- یاد امامان از مادرشان فاطمه علیها السلام ۷۵
۴. اسرار نام فاطمه علیها السلام ۷۷
- چرا نام «فاطمه»؟ ۷۸
- فاطمه علیها السلام باز دارنده شیعیان و دوستان خود از آتش است ۷۸
- فاطمه علیها السلام به دور از بدی‌ها ۸۲
- فاطمه علیها السلام قطع کننده طمع کفار و منافقان ۸۲
- تمام خلائق از شناخت فاطمه علیها السلام عاجزند ۸۳
- فاطمه علیها السلام جدا از هر ناپاکی ۸۴
- فاطمه علیها السلام سیراب از شربت علم ربوبی ۸۴
- دشمن فاطمه علیها السلام بی نصیب از محبت او ۸۵
- تحقیقی در نام فاطمه علیها السلام ۸۵
- کلمه «فاطمه» و چند معنی؟! ۸۷
۵. فاطمه علیها السلام فخر طاهران ۹۱
- سنت‌های تخلف ناپذیر! ۹۱
- طهارت خاص فاطمه اطهر علیها السلام ۹۳
۶. فاطمه علیها السلام خورشیدی تابان ۹۹
- اسرار نام زهرا علیها السلام ۹۹

۱۰۳	۷. تجلی نور فاطمه علیها السلام در زمین و آسمان
۱۰۴	فضیلت فاطمه علیها السلام بر انبیا و اوصیا
۱۰۵	تجلیات نوری فاطمه علیها السلام از ابتدای آفرینش تا تولد
۱۱۱	۸. نورافشانی فاطمه علیها السلام
۱۱۱	تابش نور فاطمه علیها السلام برای فرشتگان
۱۱۳	نورافشانی فاطمه علیها السلام برای مردم
۱۱۷	۹. فاطمه علیها السلام خورشید بهشتیان
۱۱۸	جلوه نور فاطمه علیها السلام بر بهشتیان
۱۱۹	درخشش نور فاطمه علیها السلام برای آدم و حوا در بهشت
۱۲۱	۱۰. فاطمه علیها السلام و فرشتگان
۱۲۲	ارتباط فاطمه علیها السلام با فرشتگان
۱۲۲	اقسام وحی در قرآن
۱۲۵	چه وحیی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله قطع شد؟
۱۲۶	آیا بر امام علیه السلام نیز وحی می شود؟
۱۲۸	ائمه اطهار علیهم السلام محدث اند
۱۲۹	نزول فرشتگان بر غیر انبیا در قرآن
۱۳۱	نزول فرشتگان بر ائمه علیهم السلام
۱۳۳	فرق نبی، رسول و محدث
۱۳۴	آیا امام علیه السلام فرشتگان را نمی بیند؟
۱۳۶	پاسخ سؤال
۱۴۰	ائمه اطهار علیهم السلام و فاطمه اطهر علیها السلام فرشتگان را می بینند
۱۴۵	نظر علامه مجلسی رحمته الله
۱۴۶	فاطمه علیها السلام محدثه است
۱۴۹	۱۱. مصحف فاطمه علیها السلام منشور امامت
۱۵۲	مصحف فاطمه علیها السلام
۱۵۲	مصحف فاطمه علیها السلام از کجا آمده؟

- فرشته و فرستاده خدا، یا جبرئیل؟! ۱۵۸
- مصحف فاطمه در چگونه به آن حضرت رسید؟ ۱۶۰
- محتوای مصحف فاطمه چیست؟ ۱۶۱
- مصحف فاطمه در اختیار چه کسی است؟ ۱۶۲
- مصحف فاطمه در اختیار امام زمان ۱۶۴
۱۲. علم فاطمه ۱۶۵
- چرا امیرالمؤمنین از دانش همسرش تعجب کرد؟ ۱۶۸
۱۳. فاطمه دریای بیکران علم ۱۷۱
- فاطمه اطهر دریای بیکران علم ۱۷۲
۱۴. فاطمه شب آفران ۱۷۵
- تشبیه فاطمه به شب ۱۷۷
- فاطمه ظرف علوم قرآن ۱۷۸
- فاطمه وجود ناشناخته ۱۷۹
- فاطمه لیلۃ القدر انبیا و اولیا ۱۷۹
- فاطمه سبب آفرینش و واسطه فیوضات ۱۸۱
- تأثیر معرفت به فاطمه در اعمال ۱۸۲
- وجود فاطمه مایه برکت برای تمام هستی ۱۸۲
- ارتباط فرشتگان با فاطمه ۱۸۴
- فاطمه سبب فعلیت یافتن کمالات امامت ۱۸۵
- عمر کوتاه و پر برکت فاطمه ۱۸۶
- وجود روح القدس در فاطمه ۱۸۷
۱۵. فاطمه مثل نور خدا ۱۸۹
- تابش مشکات وحی ۱۹۰
- فاطمه مثل نور خدا ۱۹۳
- فاطمه نگاهدار خورشید نبوت و جایگاه انوار امامت ۱۹۵
- فاطمه روشنی بخش چراغ ولایت ۱۹۶

۱۹۷	فاطمه علیها السلام ستاره درخشان خاندان نبوت
۱۹۸	تابش چادر فاطمه علیها السلام
۲۰۳	۱۶. فاطمه علیها السلام حوریّه‌ای از آدمیان
۲۰۴	مقایسه عنصر بدن فاطمه علیها السلام با عنصر بدن سایر انسان‌ها
۲۰۴	ارتباط روح با بدن
۲۰۴	خمیر مایه ابدان ائمه علیهم السلام و مادرشان فاطمه علیها السلام
۲۰۷	مراحل تکون وجود فاطمه اطهر علیها السلام
۲۰۹	اعطای ماده ملکوتی و نور جسمانی فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله در شب معراج
۲۱۰	سیب بهشتی که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمین میل فرمود!
۲۱۶	خدیجه علیها السلام نیز سیب بهشتی میل می‌کند!
۲۱۶	انتقال نور کامل فاطمه علیها السلام به سید عالم صلی الله علیه و آله پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۱۹	فاطمه اطهر علیها السلام مونس تنهایی مادرش خدیجه علیها السلام
۲۲۱	برترین بدن، کامل‌ترین روح را می‌طلبد
۲۲۲	فاطمه علیها السلام بانوی بی‌همتا
۲۲۳	فاطمه علیها السلام همتای پیامبر و علی علیه السلام
۲۲۴	چند سؤال از دانشمندان و دانش پژوهان عامّه
۲۲۷	۱۷. فاطمه علیها السلام علت آفرینش جهان
۲۲۸	آیا فاطمه اطهر علیها السلام از پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام افضل است؟
۲۳۰	۱. اتحاد نوری حضرت زهرا علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۳۱	۲. نقش فاطمه اطهر علیها السلام در به ثمر رساندن وجود پیامبر و امیرالمؤمنین علیه السلام
۲۳۲	اگر فاطمه علیها السلام نبود امامان معصوم از نسل او هم نبودند!
۲۳۳	مهم‌ترین نتیجه وجود فاطمه اطهر علیها السلام
۲۳۷	۱۸. فاطمه علیها السلام سرور بانوان
۲۳۸	برتری فاطمه علیها السلام بر تمام مخلوقات
۲۳۸	طهارت ممتاز فاطمه اطهر علیها السلام
۲۳۹	فاطمه علیها السلام همچون پدر و همسرش مؤید به روح القدس است

- ۲۴۳ دستگیری فاطمه اطهر علیها السلام از انبیا و اوصیا
- ۲۴۴ محبت و اطاعت فاطمه علیها السلام بر همه واجب است
- ۲۴۵ ولایت فاطمه علیها السلام شرط نبوت انبیا علیهم السلام
- ۲۴۷ فاطمه علیها السلام برتر از همه مردان
- ۲۴۷ فاطمه علیها السلام حجت خدا بر امامان علیهم السلام
- ۲۴۸ فاطمه علیها السلام أسوة امام زمان علیه السلام
- ۲۵۰ فاطمه علیها السلام روح تنزلی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۵۱ همتایی امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه علیها السلام
- ۲۵۱ تقدّم و جودی فاطمه علیها السلام بر همه مخلوقات
- ۲۵۳ فاطمه علیها السلام نخستین کسی است که وارد بهشت می شود
- ۲۵۵ ۱۹. خوشنودی و خشا خدا به خاطر خوشنودی و خشم حضرت زهرا علیها السلام
- ۲۶۱ کسی را با فاطمه علیها السلام نمی توان باس کرد
- ۲۶۳ چه کسانی فاطمه علیها السلام را به غضب آوردند؟
- ۲۶۷ ۲۰. فاطمه علیها السلام نخستین بهشتیان
- ۲۷۰ نخستین کسی که وارد بهشت می شود، کیست؟
- ۲۷۱ چرا نخستین کسی که وارد بهشت می شود، فاطمه زهرا علیها السلام است؟
- ۲۷۵ چگونه ورود فاطمه علیها السلام به بهشت!
- ۲۷۹ ۲۱. بهترین مردان و زنان
- ۲۷۹ همسر فاطمه علیها السلام برترین فرد بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۲۸۰ علی علیه السلام بهترین و برترین صحابی پیامبر صلی الله علیه و آله
- ۲۹۱ چه کسی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله لیاقت خلافت دارد؟
- ۲۹۷ عظمت فاطمه اطهر علیها السلام در همسری امیرالمؤمنین علیه السلام
- ۲۹۹ ۲۲. همتایی فاطمه با امیرمؤمنان علیه السلام
- ۳۰۰ رعایت کفویت در زندگی مشترک
- ۳۰۲ معنای کفویت در احادیث
- ۳۰۴ همتای فاطمه علیها السلام کیست؟

۳۰۹	۲۳. ازدواج آسمانی فاطمه با امیر مؤمنان علیه السلام
۳۰۹	ازدواجی که در تمام آفرینش شور و نشاط آفرید
۳۱۵	۲۴. فرشتگان خدمتگزار خانه فاطمه علیه السلام
۳۱۷	هستی، علم و کمال فرشتگان از فاطمه اطهر علیه السلام و همسر و فرزندان اوست
۳۲۱	نمونه دیگری از خدمت فرشتگان در خانه فاطمه علیه السلام
۳۲۳	۲۵. اهتمام فاطمه علیه السلام بر دعا برای دیگران
۳۲۴	اهتمام فاطمه اطهر علیه السلام به دعا در شب جمعه
۳۲۷	فضیلت روز جمعه
۳۲۹	اهتمام فاطمه زهرا علیه السلام به دعا در روز جمعه
۳۳۰	اهتمام فاطمه اطهر علیه السلام به دعا برای مؤمنین و مؤمنات
۳۳۱	آثار و برکات دعا برای برادر و خواهر مؤمن
۳۳۶	دعا برای امام زمان علیه السلام و برکات آن
۳۴۳	۲۶. تسبیح حضرت زهرا علیه السلام و آثار آن
۳۴۳	تسبیح حضرت فاطمه علیه السلام
۳۴۴	منشأ پیدایش تسبیح فاطمه علیه السلام
۳۴۶	تسبیح فاطمه علیه السلام بعد از نماز، یا قبل از خواب
۳۴۷	ترتیب اذکار در تسبیح فاطمه علیه السلام
۳۵۰	نتیجه بحث
۳۵۰	آثار و برکات تسبیح فاطمه علیه السلام
۳۵۶	تسبیح فاطمه علیه السلام با تسبیح تربت
۳۶۱	۲۷. حجاب فاطمه علیه السلام
۳۶۲	چشم پوشی و آثار آن
۳۶۵	وصیت فاطمه علیه السلام برای پوشش بدن خویش از نامحرم!
۳۶۶	عطر زدن مرد و زن در مکتب اهل بیت علیهم السلام

۲۸. بهترین عمل برای زنان ۳۶۹
- رعایت حجاب کامل برای زن، بهترین عمل است ۳۷۱
- عقوبت زنانی که حجاب خویش را رعایت نمی کنند ۳۷۴
- پیام امیرالمؤمنین علیه السلام برای مردان با غیرت ۳۷۶
۲۹. فضیلت پرده نشینان در مکتب فاطمه علیه السلام ۳۷۹
- فضیلت زن در محیط منزل ۳۸۰
۳۰. بانوانی که به شفاعت فاطمه علیه السلام می رسند ۳۸۵
- اطاعت از همسر برای بانوان، رمز دست یافتن به شفاعت فاطمه علیه السلام ۳۸۶
- ۱- مسای زناشویی ۳۸۷
- ۲- آراستن خویش بران همسر ۳۸۸
- ۳- اطاعت در بیرون از منزل ۳۸۹
- ۴- اطاعت در حفظ اموال همسر و صرف نکردن آن ها بدون رضایتش ۳۹۱
- ۵- پرهیز از کارهای منافی با حق ۳۹۳
- ۶- جلب رضایت همسر در زندگی و پرهیز از تنگنا ۳۹۳
- وظیفه مرد در برابر زن ۳۹۵
۳۱. امید مستمندان ۴۰۱
۳۲. صلوات بر فاطمه علیه السلام مایه آمرزش دوستان ۴۱۱
- ظلمت های انسان ۴۱۲
- صلوات بر فاطمه و آتش نجات از ظلمت ها ۴۱۴
- ۱- پاکیزه ساختن طینت و مایه آفرینش انسان ۴۱۶
- ۲- طهارت نفس از افکار و وسوسه های شیطانی ۴۱۶
- ۳- تزکیه روح انسان از اخلاق ناپسند و صفات ناپاک ۴۱۷
- ۴- کفاره گناهان و نجات از ظلمت پدید آمده از ارتکاب گناهان ۴۱۷
- فضیلت صلوات بر فاطمه علیه السلام ۴۱۸

۴۲۳	۳۳. فاطمه علیها السلام فریادرس بیچارگان
۴۲۵	استغاثه به حضرت زهرا علیها السلام
۴۲۷	۳۴. آثار محبت بانوی بانوان
۴۲۸	دشمنی با دشمنان فاطمه علیها السلام شرط محبت آن حضرت
۴۳۰	اظهار محبت پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش فاطمه علیها السلام
۴۳۳	۳۵. فاطمه علیها السلام شفیع شافعان
۴۳۸	فاطمه علیها السلام یکتا بانوی صاحب کرامت در قیامت
۴۴۰	تشریفات خداوند برای ورود ملکه آفرینش به صحرای محشر
۴۴۳	شفاعت فاطمه علیها السلام از شیعیان، دوستان و فرزندان
۴۴۴	آیا پیروان شیعه و دوستان آنان نیز از شفاعت فاطمه علیها السلام برخوردارند؟
۴۴۵	چه کسانی از شفاعت محرومند؟
۴۵۴	روایات شفاعت، شیعه با معرفت باغریب عاصی نمی کند
۴۶۱	۳۶. فدک حق فاطمه علیها السلام
۴۶۲	فدک، داستان غم انگیز فاطمه علیها السلام
۴۶۲	فدک چگونه در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت؟
۴۶۳	فدک، ملک شخصی و اعطائی پیامبر صلی الله علیه و آله به فاطمه علیها السلام
۴۶۵	غصب فدک با اهداف از پیش تعیین شده!
۴۶۵	ارتباط فدک با خلافت امیر مؤمنان علی علیه السلام
۴۶۸	سخنان فاطمه علیها السلام اظهر علیه السلام با غاصبان فدک
۴۷۵	۳۷. آزار فاطمه علیها السلام آزار خدا
۴۷۶	سزای آزار فاطمه علیها السلام
۴۷۸	عیادت ابی بکر و عمر از فاطمه علیها السلام
۴۸۱	۳۸. فاطمه علیها السلام یکتا مدافع امیر مؤمنان علیه السلام
۴۸۲	ناله های جانسوز فاطمه علیها السلام

۴۸۷	۳۹. اندوه امامان در مصیبت فاطمه
۴۸۸	اشک امیر مؤمنان در مصیبت همسرش فاطمه
۴۸۹	گریه پیامبر در مصیبت دخترش فاطمه
۴۹۰	گریه شدید امام صادق به خاطر شهادت محسن فاطمه
۴۹۱	پاداش گریه در مصیبت فاطمه اطهر
۴۹۳	۴۰. مصایب و عمر کوتاه فاطمه!
۴۹۴	اشک پیامبر یادآور مصایب فاطمه
۴۹۵	ظالمین حق فاطمه بدترین امت
۴۹۵	روایات مهم ترین سند تاریخ
۴۹۶	مصایب فاطمه از زبان پیامبر در کتب عامه
۴۹۹	یاد مصایب فاطمه در معراج
۵۰۱	ندامت ابوبکر از شکستن حریم خانه فاطمه
۵۰۲	ضربتی منجر به سقط جنین فاطمه
۵۰۲	هجوم به خانه فاطمه
۵۰۴	خشم فاطمه بر ابی بکر و عمر
۵۰۵	صحت نقل علماء شیعه در مصایب فاطمه
۵۰۶	نفرین پیامبر به قاتل فاطمه
۵۰۷	دستور حمله به خانه فاطمه
۵۰۸	آتش بر در خانه فاطمه
۵۱۰	اقرار ابن عبد ربّه به مصایب فاطمه
۵۱۱	هجوم به خانه علی به روایت فاطمه
۵۱۲	اقرار عالمی دیگر از علما و مخاطبین به مصایب فاطمه
۵۱۷	حدیث کساء و آثار تلاوت آن در مجالس شیعیان فاطمه
۵۲۷	فهرست مصادر

پیشتر

محبت یا مودّت؟

آیا ما حضرت زهرا علیها السلام و فرزندان پاک و معصوم ایشان را دوست داریم؟
آیا آثار محبت دختر زهرا علیها السلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که نزدیک ترین اهل بیت آن
حضرت است در ما نمایان است؟
آیا مزد رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را که خداوند در قرآن کریم از ما خواسته، ادا
کرده ایم؟

راستی، هیچ فکر کرده ایم که فرق «مودّت» با «محبت» چیست؟ و چرا خداوند در
قرآن به جای: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ نور محمد «إِلَّا الْمَحَبَّةَ فِي
الْقُرْبَى»

مگر «محبت»، همان «مودّت» نیست؟

آیا تا کنون فکر کرده ایم راجع به محبتی که به اهل بیت پاک و معصوم رسول
خدا صلی الله علیه و آله داریم، تا چه اندازه مسئول بوده و هستیم؟

همه اینها، پرسش های مهم و قابل توجهی است که درک حقیقت پاسخ آن، با
سعادت ابدی انسان ارتباط تام داشته و غفلت از آن، او را به وادی هلاکت و بدبختی
نزدیک می سازد.

اینک پیش از آن که به موضوع اصلی بپردازیم چند نکته را یادآور می‌شویم:

محبت اهل بیت علیهم‌السلام، گوهری پاک

محبت اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گوهر گرانبهایی است که به آسانی و بدون شرط نمی‌توان به آن دست یافت. محبت، زمینه و مقدمه لازم دارد:

نخستین شرط محبت، نطفه پاک است؛^۱ هر جنینی که از نطفه پاک منعقد گردیده ابر محبت، باران خود را به دستور خداوند بر سرزمین آن جنین فرو می‌فرستد.

آری! مهر و محبت این گل‌های سرسبد عالم وجود، اکسیر اعظمی است که به هر موجودی برسد، موجودش را طلامی سازد. آب حیاتی است که هر موجود زنده‌ای آن را بیاشامد، زندگی را برای می‌یابد. پناهگاه محکم و کوه استواری است که در فراز و نشیب‌ها و مناظر هولناک زندگی به انسان آرامش خاطر و جان می‌بخشد. آفتاب تابانی است که در خانه هر دلی طلوع کند، ظلمت و تاریکی را از آن زدوده و راه را از چاه روشن می‌سازد.

خلاصه این که، اصل و اساس همه خیرات، برکات، خوبی‌ها و خوشی‌ها، این خاندان پاک و مقدس می‌باشند.

پیشوای دهم امام هادی علیه‌السلام در وصف شأن امام علیه‌السلام چه نیکو فرموده است:

«إِنْ ذُكِرَ الْخَيْرُ كُنْتُمْ أَوَّلَهُ وَأَصْلَهُ وَقَرْعَهُ وَمَعْدِنُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُسْتَهَاهُ»^۲

«هرگاه سخن از هر خوبی و نیکویی به میان آید، شما ابتدا، ریشه، شاخه، معدن، جایگاه و نهایت آن هستید.»

۱. دلیل بر این گفتار، روایات فراوانی است که یکی از آن‌ها را خاطر نشان می‌سازیم:

عن الصادق علیه‌السلام عن آبائه علیهم‌السلام قال: قال رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: «مَنْ أَحَبَّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فَلْيَحْبِدِ اللَّهَ عَلَى أَوَّلِ النِّعَمِ. قِيلَ: وَمَا أَوَّلُ النِّعَمِ؟ قَالَ: طَيْبُ الْوَلَادَةِ. وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مُؤْمِنٌ طَابَتْ وَلَادَتُهُ.» (علل الشرایع: ص ۱۴۱)

امام صادق علیه‌السلام از بدرائش از رسول خدا - سلام الله علیهم اجمعین - روایت می‌کنند که فرمودند: «هر که ما اهل بیت را دوست بدارد باید خدا را بر نخستین نعمت سپاس گوید. از حضرتش سؤال شد: نخستین نعمت کدام است؟ فرمودند: حلال زادگی؛ دوستان ما تنها کسانی هستند که مؤمن و حلال زاده باشند.»

۲. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام: ج ۲، ص ۲۷۷، ح ۱؛ من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۶۱۶.

بنابراین، کسانی که محبت این بزرگواران را پذیرفته‌اند به تمام خیرات و برکات دست یافته‌اند؛ زیرا خود را با معدن و اساس تمام خیرات مرتبط ساخته‌اند. بی‌جهت نیست که پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند:

«مَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ حُبَّ الْأَيِّمَةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَقَدْ أَصَابَ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلَا يَشُكُّ أَحَدٌ أَنَّهُ فِي الْجَنَّةِ....»^۱

«هرکس که خدا محبت اهل بیت مرا روزیش نمود به خیر دنیا و آخرت رسیده است، و هیچ کس نباید شک کند که جایگاه او در بهشت است.»

محبت اهل بیت ﷺ: مژده رسالت

نبی اکرم ﷺ در راه اعلام اسلام و دعوت مردم به سوی یگانه پرستی، زحمات طاقت فرسایی را به جان خرید و در طول ۲۳ سال رسالت، مصایب و سختی‌های فراوانی دیده که هر کدام برابر با مصایب حدین ساله‌ای بود که بعضی از انبیای گذشته کشیده و گاهی با دیدن یکی از آن‌ها و یا کسر آن، قوم خود را نفرین کرده بودند؛ ولی پیامبر دلسوز اسلام ﷺ با همه سختی‌هایی که دید و مشکلاتی که از ناحیه افراد و گروه‌های مختلف متحمل گردید لب به نفرین نکشید. دشمنان او، از میان خانه‌اش (بعضی از همسران او) شروع شده تا به ابوجهل‌ها و ابوسفلیان‌ها و... رسید و آنقدر آن حضرت را آزرند که فرمود:

«مَا أُوذِيَ نَبِيٍّ مِثْلُ مَا أُودِيَْتُ»^۲

«هیچ پیامبری مثل من آزار ندید.»

چرا که در راه دعوت مردم به حق و حقیقت، پیشانی و دندان مبارکش را شکستند. باریختن زباله بر سر و رویش او را طرد و تحقیر نموده و ساحر و مجنونش خواندند. به آن حضرت نسبت کذب داده، حضرتش را وادار به جنگ‌های متعددی نموده و

۱. الخصال، للشيخ الصدوق: ص ۵۱۵؛ بحارالانوار: ج ۲۷، ص ۷۸، ح ۱۲.

۲. المناقب لابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۴۲؛ بحارالانوار: ج ۳۹، ص ۵۶.

بهترین عزیزانش را از او گرفتند.

تنها در جنگ أحد، عموی بزرگوارش حمزه بن عبدالمطلب و ۷۲ تن از بهترین یارانش را از دست داد و هفتاد زخم بر بدن نازنینش وارد نمودند و سایر گرفتاری‌ها و ناراحتی‌هایی که از ناحیه اعراب بیابانی آن زمان، متوجه آن بزرگوار گردید که بیان آن از عهده این مقدمه بیرون است.

آری! آن حضرت با همه این آزارها و توهین‌ها، نه تنها لب به نفرین نگشود؛ بلکه می‌فرمود:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَوْمِي فَإِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»^۱

«خدایا! قوم مرا ببخش که آن‌ها نمی‌دانند.»

خدای متعال نیز مقام با عظمت و وجود پر برکت او را ستوده و می‌فرماید:

﴿وَمَا كُنَّا لِنُؤْتِيَهُمْ فَيْهُمْ﴾^۲

«تا تو در میان این مردم هستی خدا آنان را عذاب نمی‌کند.»

و در برابر تحمّل این زحمات طاقت فرما، سبّت به اهل بیت پاکش را بر مردم واجب کرده و به پیامبرش چنین دستور می‌دهد:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

«ای پیامبر! به مردم بگو: من از شما مزد رسالت مطالبه نمی‌کنم مگر آن که نسبت به قرابت و خویشان نزدیک من (امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، امام حسن و امام حسین و ائمه معصومین از نسل امام حسین علیهم‌السلام) دوستی کنید.»

گرچه در آیه دیگر مزد رسالت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را چنین بیان می‌فرماید:

﴿قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾^۴

۱. بحارالانوار: ج ۹۵، ص ۱۶۷؛ المسند لاحمد بن حنبل: ج ۱، ص ۴۴۱.

۲. سورة انفال: آیه ۳۳.

۳. سورة شوری: آیه ۲۳.

۴. سورة فرقان: آیه ۵۷.

«بگو: من از شما در برابر زحمات چندین ساله، هیچ گونه اجر و پاداشی مطالبه نمی‌کنم، تنها اجری که می‌خواهم این است که، مردم بخوانند راهی به سوی پروردگارشان برگزینند؛ (یعنی: تنها اجر و پاداش من، هدایت شماست).»

اما در واقع این آیه، در مقام بیان نتیجه‌ای است که از عمل به آیه مودّت به دست می‌آید؛ زیرا برگزیدن راه به سوی خدا به گونه‌ای که او بپسندد، تنها از راه مودّت اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) امکان‌پذیر است. چه آنکه هیچ عملی راه گشای انسان به سوی پروردگار نیست مگر آنگاه که مورد امضای خداوند قرار گیرد.

از طرفی، خداوند هیچ عملی را بدون ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) نمی‌پذیرد و در روایات زیادی، نام کسانی که پذیرش ولایتشان شرط قبولی اعمال بندگان خداست آمده، و آنان، همان اهل بیت هستند که در آیه مودّت، مردم به دوستی و ولایتشان امر شده‌اند.^۱

۱. به عنوان نمونه، چند روایت را از شیعه و سنی خطبه‌ای که ایشان می‌سازیم:

۱- عن سلام قال: سمعت أبا سلمی راعی النبی (علیه‌السلام) یقول: «سمعت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) یقول: «سمعت ليلة أُسري بي إلى السماء قال العزيرُ - جلّ ثناؤه - : ... يا محمد! إني خلقتك وخلقْتُ عليَّ وفاطمةَ والحسنَ والحسينَ مِنْ شَجَرِ نوري مِنْ نوري، وعرَضْتُ ولايتَكُمْ على أَهلِ السَّمَاوَاتِ والأَرْضَيْنِ، فَمَنْ قَبِلَها عَنِّي مِنْ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ جَحَدَها كانَ عَندي مِنَ الكافِرِينَ.

يا محمد! لَوْ أَنَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِي عَبْدَنِي حَتَّى يَنْقَطِعَ وَيَصِيرَ مِثْلَ الشَّيْءِ الباليِّ ثُمَّ أَسَى بِأَجَلِهِ لَوْلا يَتَكُم ما غَفَرْتُ لَهُ حَتَّى يَمُوتَ بِولايتِكُمْ.

يا محمد! أَتُحِبُّ أَنْ تَرَاهُمْ؟

قلتُ: نَعَمْ يا رَبِّ!

فقال: لَقِيتُ عَنْ يَمِينِ العَرشِ.

فالتَفْتُ فإذا بِعليٍّ وفاطمةَ والحسينَ والحسينَ وعلِيٍّ ومحمدَ وجعفرَ وموسىَ وعلِيٍّ ومحمدَ وعلِيٍّ والحسنَ والمهدي (علیه‌السلام) في ضَحَضاحٍ مِنْ نورٍ، قِيامٌ يصلُّونَ، والمهديُّ في وَسْطِهِمْ كأنَّهُ كوكبٌ دُرِّيٌّ.

فقال: يا محمد! هؤلاءِ الحُجَّجُ، وهذا النَّارُ مِنْ عِترَتِكَ.

يا محمد! وعرْتي وجلالي! إِنَّهُ الحُجَّةُ الواجِبَةُ لأوليائِي والمَنْتَقَمُ مِنْ أَعْدائِي. (غيبت شيخ طوسی: ص ۱۴۸-۱۴۹ و با اندک تفاوتی: الجواهر السنية للشيخ حرالعالمی: ص ۳۱۲؛ بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۶؛ ينابيع المودة: ج ۳، ص ۳۸۰).

سلام از اباسلمی روایت می‌کند که گوید: از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) شنیدم، می‌فرمود: «شبی که به معراج رفتم خداوند بزرگ چنین فرمود:

بنابراین، بندگان خدا برای برگزیدن راه صحیح به سوی خدا، راهی جز پیمودن راه مودّت و دوستی با اهل بیت معصوم پیامبر ﷺ ندارند.

آنچه در این رابطه شایسته دقت و تأمل است این که، تنها پیامبری که خداوند مزد رسالتش را مودّت اهل بیت او قرار داده خاتم انبیا رسول گرامی اسلام ﷺ است. و

→ ای محمد! من تو، علی، فاطمه، حسن و حسین ﷺ را از نور خود آفریده و ولایتان را بر اهل آسمان‌ها و زمین‌ها عرضه داشتم، هر کس پذیرفت در زمرة مؤمنان در آمد و هر که نپذیرفت از جمله کافران گشت. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم آنقدر مرا عبادت کند که بند از بندش جدا گشته و همچون مشک خشکیده گردد و با این حال نزد من آید؛ ولی منکر ولایت شما باشد او را نمی‌آمرزم مگر آنگاه که اقرار به ولایت شما بنماید. ای محمد! آیا دوست داری آن‌ها را ببینی؟ عرضه داشتم: آری، ای خدای من! خطاب آمد: به سمت راست نگاه کن.

نگاه کردم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن و مهدی ﷺ را دیدم که در هاله‌ای از نور ایستاده نماز می‌خواندند؛ و مهدی ﷺ در میان ایشان همچون ستاره درخشانی جلوه گر بود. آنگاه خداوند فرمود: ای محمد! اینان حبیب‌های من و این یکی (مهدی ﷺ) طالب خون از عترت توست. ای محمد! به عزّت و جلالم سوگند! او حجت و راجعی برای عالم من، و انتقام گیرنده از دشمنان من است. ۲- عن النبي ﷺ أنه قال لعلي ﷺ: «يا علي! لو أن عبدًا عتق الله من ما قام نوح في قومه، وكان له مثل أحد ذهباً فأنتفقه في سبيل الله، ومُدَّ في عُمره حتى خَجَّ ألف عام على قدميه، فَنُزِّلَ من السماء الغزوة مظلوماً، ثم لَمْ يُؤَالِكَ يا علي! لَمْ يَشْمَ رائحة الجنة ولم يَدْخُلْها.» مناقب خوارزمی: ص ۲۸؛ المناقب لابن شهر آشوب: ج ۳، ص ۲؛ الغدير: ج ۲، ص ۳۰۲؛ میزان الاعتدال: ج ۳، ص ۵۹۷؛ لسان الميزان: ج ۵، ص ۲۱۹.

پیامبر اسلام ﷺ به امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ فرمودند: «ای علی! اگر بنده‌ای به اندازه‌ای که نوح در میان قومش ماند (۹۵۰ سال) خدا را عبادت کرده و همچون کوه أحد طلا داشته و در راه خدا انفاق نموده، و عمرش طولانی گشته به حدّی که هزار حج با پای پیاده انجام داده، سپس میان صفا و مروه مظلومانه کشته شود؛ ولی با همه اینها ولایت (و خلافت بلافصل) تو را نپذیرد، بوی بهشت (که از پانصد سال راه، استشمام می‌شود) به مشامش نرسیده و داخل آن نمی‌شود.»

۳- عن الحسين بن علي ﷺ قال: قال رسول الله ﷺ: «الزُّمَرُ مَوَدَّتُنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِنْ مَن لَقِيَ اللَّهَ - عَزَّ وَجَلَّ - وَهُوَ يَوَدُّنَا دَخَلَ الْجَنَّةَ بِشِقَائِعِنَا، وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَا يَنْتَفِعُ عَبْدٌ بِعَمَلِهِ إِلَّا بِمَعْرِفَةِ حَقِّنَا.» (مجمع الزوائد للهيتمي: ج ۹، ص ۱۷۲؛ فضائل الخمسة من الصحاح الستة: ج ۲، ص ۷۹).

امام حسن ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کند که فرمودند: «دوستی با ما اهل بیت را همیشه داشته باشید؛ چرا که هر کس با ما دوستی کند و با همین حال خدا را ملاقات نماید به شفاعت ما داخل بهشت می‌گردد. سوگند به آن که جانم در دست قدرت اوست! هیچ بنده‌ای را عملش سود نخواهد داد، مگر آنگاه که حق ما اهل بیت را بشناسد (و به مقام ولایت و خلافت بلافصل علی بن ابی طالب و فرزندان معصومش ﷺ معتقد گردد).»

مزد انبیای دیگر را به گونه‌ای دیگر قرار داده است.

در آیات متعدّدی راجع به چند پیامبر این مضمون به چشم می‌خورد:

﴿وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^۱

«من هیچ اجر و مزدی از شما در مقابل زحماتم نمی‌طلبم، نیست اجر من مگر با پروردگار جهانیان»

این، بهترین دلیل بر شرافت و عظمت و امتیاز خاصّی است که خداوند متعال به خاتم انبیاء ﷺ عطا کرده است. آری! تنها اوست که مردم موظّفند به عنوان پاداش رسالت، به اهل بیتش ﷺ اظهار علاقه و دوستی کنند.

محبت یا مودّت؟

نکته جالبی که در آیه مودّت به آن اشاره شده این است:

چرا خداوند از اُمّت رسول گرامیش مودّت خواسته نه محبت، و نفرموده: «...إِلَّا الْمَحَبَّةَ فِي الْقُرْبَى؟»

چه فرقی بین «مودّت» و «محبت» است، مگر این که کلمه مترادف نیستند؟ در پاسخ این پرسش می‌گوییم: با توجه به روایاتی که در تفسیر این آیه وارد شده و اهل لغت هم به آن تصریح کرده‌اند: «محبت» به معنای «دوست داشتن»، و «مودّت» به معنای «دوستی کردن» است.

به عبارت روشن‌تر: «محبت»، تنها دوستی و علاقه قلبی است؛ به این معنی که هر گاه انسان از کسی یا چیزی خوشش بیاید، آن را ملایم با طبع خود دیده و وجودش را برای خویشتن نافع و سود بخش یابد دلش به سوی آن کشیده شده و مجذوب و شیفته‌اش می‌گردد.

اما «مودّت»، مرحله‌ای بعد از محبت است که بعد از کشش و تمایل قلبی، سعی در اظهار این محبت می‌نماید؛ به این معنی که هر جا می‌رود از محبوبش سخن می‌گوید.

۱. سوره شعراء: آیات ۱۰۹، ۱۲۷، ۱۴۵، ۱۶۴ و ۱۸۰.

سراغ او را گرفته و یادش را در دل زنده می گرداند. در هر گفتاری از او یاد کرده و در هر نوشتاری او را ذکر می نماید. برای یافتن او و شنیدن نام و شمایلش از هیچ تلاشی دریغ ننموده و در راه نشر کمالات و فضایل او از مال و جانش می گذرد.

علاوه بر این، همواره در حال جلب خاطر و رضایت محبوبش می باشد، و دائماً تلاش می کند که خواسته های او را عملی سازد و از آنچه مورد خشم و غضب اوست دوری کند. هر کاری که موجب قرب و نزدیکی به اوست انجام می دهد تا هر لحظه به مراتب رضا و خوشنودی محبوبش نزدیک و نزدیکتر گردد.

یکی از شواهد ما بر این معنا این است: در قرآن بر محبت بندگان نسبت به خدا، مودت اطلاق نشده، ولی عکس آن بکار رفته است.

مثل فرمایش خداه ند:

﴿إِنَّ رَبِّيَ بِسَمِيعٍ عَلِيمٌ﴾^۱

«به راستی، پروردگارم، مهربان است و (به بندگان بالیمنش) دوستی می کند.»

و فرمایش دیگرش:

﴿وَهُوَ الْغَفُورُ الْودُودُ﴾^۲

«او بسیار آمرزنده و (به بندگان خویش) دوستی کرده است.»

شاید این بدان خاطر است که کلمه «مودت» به این معنا اسعار دارد که شخص محبت، در اظهار دوستی خویش، حال محبوبش را رعایت می کند بدون این که منافع خویش را در نظر بگیرد. و این معنا تنها در مورد اظهار محبت خدا نسبت به بندگانش صحیح به نظر می رسد. در حالی که در اظهار محبت بندگان نسبت به خدا چنین نیست، مگر بندگان مخلص خدا که محمد و آل محمد علیهم السلام می باشند. و این یکی از رموز نهفته در تعبیر «مودت» به جای محبت است. لغت شناس معروف، راغب اصفهانی گوید:

۱. سوره هود: آیه ۹۰.

۲. سوره بروج: آیه ۱۴.

مودّت خدا نسبت به بندگانش، به معنای مراعات حال آنان است.^۱

مودت عطای خداوند

شاهد دیگر بر معنای یاد شده آن که، خداوند از محبت شدیدی که بین زن و شوهر است و آن را یکی از نشانه‌های قدرت خود شمرده، تعبیر به «مودّت» کرده و فرموده:

﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً، إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾^۲

«از نشانه‌های (قدرت) خداوند این که، از جنس شما همسرانی برایتان آفریده تا در کنارشان بیاسید و بین شما مودّت و رحمت قرار داده، به راستی، در این مطلب نشانه‌هایی است برای گروهی که فکر می‌کنند.»

بدون تردید، محبتی که بین زن و شوهر است، تنها یک محبت قلبی نیست؛ بلکه محبتی است که از قلب به تمام اعضا و جوارح آنان سرایت کرده و با ایثارگری به یکدیگر اظهار محبت می‌کنند و در بسیاری از موارد، این محبت آن چنان اوج می‌گیرد که هر یک از طرفین، خواسته‌های محبوب خود را بر آرزوهای خویشان مقدم داشته، از جان و مال خود گذشته، در راه خوشنودی همسرش گام نهاده و برای عزّت و سربلندی یکدیگر می‌کوشند.

این همان محبت شدیدی است که خداوند، آن را با تابلوی «مودّت» به زن و شوهر جوان هدیه کرده تا براساس آن زندگی خود را شروع کرده و به سعادت ابدی دست یابند، و با تفکّر در آن، قدرت پروردگار را دریافته، و در آینه این صمیمیت و مودّت، نشانه‌های متعدّدی از قدرت‌نمایی خداوند را که در آیه مودّت به نمایش گذارده ببینند. بی‌جهت نیست که در انتهای آیه می‌فرماید:

﴿إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۱. مفردات غریب القرآن: ص ۵۱۷.

۲. سوره روم: آیه ۲۱.

شاید یکی از آن آیات و نشانه‌ها، راهنمایی به یک امر محسوس در معنای مودّتی است که خداوند آن را مزد رسالت پیامبرش ﷺ قرار داده که عبارتست از: فداکاری در راه محبوب، و گام برداشتن در مسیر خوشنودی او.

پس، با توجّه به این که خداوند متعال وظیفهٔ بندگان را نسبت به اهل بیت پیامبر ﷺ، مودّت قرار داده، اگر کسی بخواهد نسبت به امامان خویش مودّت داشته باشد باید حال آن ذوات پاک و مطهر را رعایت کرده، با آنان تجدید عهد نموده و برای دست یافتن به آنان و اهدافشان تلاش نموده و همواره در جستجوی خوشنودی آن برگزیدگان الهی باشد.

محبت اهل بیت ﷺ، ازین محبت‌ها

شاهد بر این مطلب سخن نورانی رسول خدا ﷺ است، که در کلام درباری می‌فرمایند:

«لَا يُؤْمِنُ عَبْدٌ حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ نَفْسِهِ وَيَكُونَ عِزَّتِي أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ عِزَّتِهِ...»^۱

«ایمان بندهٔ مؤمن، کامل نمی‌گردد مگر آنگاه که مرا از خودش بیشتر دوست داشته و اهل بیت و فرزندان مرا از فرزندان و خانوادهٔ خود بیشتر دوست بدارد...»

نکتهٔ جالبی که این حدیث دارد و به عنوان یکی از قوانین مسلم در وادی محبت به شمار می‌آید، این که نباید در محبت‌های صادق و راستین به محبت قلبی اکتفا کرد. بلکه در عرف همهٔ ملت‌ها، محبت شخص به نزدیکان و بستگان خویش - مثل همسر، فرزند، پدر و مادر - زمانی واقعیت پیدا می‌کند که به گونه‌های مختلف آن را اظهار کند. به عنوان مثال: اگر پدر خانواده است، بایستی به فکر خوراک، پوشاک، آسایش و

۱. نظم در السمطين: ص ۲۳۳؛ سبل الهدى، الصالحى الشامى: ج ۱۱، ص ۸؛ بتابع الموده: ج ۲، ص ۳۶۰؛ بحار الانوار: ج ۱۷، ص ۱۳، ج ۲۷، و ج ۲۷، ص ۸۶، ح ۳۰.

استراحت زن و فرزند خویش بوده و در این راه، نهایت تلاش خود را بنماید. و چنانچه مادر مهربانی است، بایستی فرزندان خویش را تر و خشک کرده، محیط منزل را برای آسودگی و آرامش شوهر و فرزندانش آماده سازد و آنچه در توان دارد در این راستا بذل و بخشش کند. در این صورت است که محبت او مورد پذیرش همگان قرار می‌گیرد.

با توجه به این اصل مسلم، و سخن پیامبر ﷺ که، علاقه به پیامبر و اهل بیتش ﷺ، باید بیش از علاقه انسان به خود و زن و فرزندش باشد؛ اگر کسی بخواهد به اهل بیت پیامبر ﷺ مودّت داشته باشد نه محبت، بایستی به محبت قلبی تنها اکتفا نکند؛ بلکه با آنچه در توان دارد به آن پاکان عالم وجود اظهار محبت کرده، رضای آنان را بدست آورد و در این راه منابع خویش را در نظر نگیرد. بلکه در موارد لازم، از جان و مال خویش گذشته و هستی خود را فدای آن بزرگمردان آفرینش و اهداف پاکشان سازد، تا به سعادت دنیا و آخرت دست یابد. چون اصحاب امام حسین ﷺ که در راه مودّت ورزیدن به امامشان از هیچ تلاش و گنجینی دریغ نکردند، هستی خود را در طبق اخلاص گذارده و فدای مولایشان ساختند. آری! در این صورت است که انسان به وظیفه مودّت، بعنوان مزد رسالت، عمل کرده و به رمز ایمان دست می‌یابد.

با این بیان روشن شد که چرا خداوند مزد رسالت را مودّت قرار داده، نه محبت؟

نکوهش کوتاهی در مودّت!

از بیانات گذشته معلوم شد که چرا خداوند افرادی را که در این امر کوتاهی می‌کنند وعده عقاب داده و سخت سرزنش کرده است. آنجا که می‌فرماید:

﴿قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ
افْتَرَقْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ
مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ

لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. ۱

«ای رسول ما! به این مردم بگو: اگر شما پدران، پسران، برادران، همسران و خویشان خود و همچنین اموالی که جمع کرده‌اید و مال‌التجاره‌ای که از کسادی آن بیمناکید، و مسکن‌هایی که به آن دلخوش داشته‌اید، (اگر همه اینها را) از خدا و رسول و جهاد در راه او بیشتر دوست دارید منتظر باشید تا امر نافذ (و عقوبت حتمی) خدا جاری گردد. و خداوند فاسقان و بدکاران را هدایت نمی‌کند.»

بنابراین، کسی که می‌خواهد به حقیقت ایمان دست یافته و کمال عرفان را تحصیل کند و در ضمن، از عذاب خداوند در دنیا و آخرت نجات یابد، باید در وادی محبت، خودی نبیند، دامنش را از آلودگی محبت به نفس و دیگر تعلقات زندگی پاکیزه ساخته و دلش را کانون محبت خدای متعال، رسول گرامی ﷺ و اهل بیت پاک آن حضرت ﷺ قرار دهد، و گریه‌ای که در همه اُمور، آن ذوات مقدسه را بر خود و خانواده‌اش مقدم بدارد.

عالم بزرگوار، سید بن طاووس رحمته الله به فرزندان چنین سفارش می‌کند:

فرزندم، در دوستی امام زمانت بگونه‌ای شرکت کن که خدا و رسول و اهل بیت آن حضرت رحمته الله خواسته‌اند. خواسته‌های او را بر خویش خود مقدم بدار، قبل از آن که برای خود و عزیزانت صدقه دهی، برای آن حضرت صدقه بده؛ پیش از آنکه برای خویش دعا کنی برای آن بزرگوار دعا کن؛ و در هر کار نیکی آن امام مهربان را بر خودت مقدم بدار، تا به وظیفه دوستی و مودت نسبت به آن حضرت وفا کرده و لطف و عنایتش را متوجه خویش سازی.^۲

ما و محبت اهل بیت ﷺ

اکنون بایستی به دل خود مراجعه کنیم و ببینیم آیا محبت ما به خود و فرزندان و همسرانمان بیشتر است، یا به خدا، رسول و فرزندان معصوم آن حضرت ﷺ؟^۱

۱. سوره توبه: آیه ۲۴.

۲. کشف المحجّة لثمره المهجّة: فصل ۱۵۰، ص ۱۵۱-۱۵۲.

آیا همان مقدار که به اینان دل بسته ایم و عشق می ورزیم به اهل بیت معصوم رسول خدا ﷺ دل بسته ایم؟!

آیا آن اندازه که برای عزّت، آبرو، رفعت و سربلندی نزدیکان خویش، تلاش می کنیم، برای نشان دادن عزّت و سربلندی محمّد و آل محمّد ﷺ کوشا هستیم؟ تا چه رسد به این که بیش از این فعالیت کنیم!

آیا در آن حدی که سعی داریم میان مردم جایی برای خودمان باز کنیم و محبوبیتی در دل ها کسب نماییم، برای این که حضرت زهرا ﷺ و اولاد معصوم آن بزرگوار - سلام الله علیهم اجمعین - را محبوب دل ها نماییم، قدمی برداشته ایم؟!

اگر کسی برنامه زندگی به گونه ای است که همیشه محمّد و آل محمّد ﷺ را بر خود و متعلقات خود ملازم می دارد، گوی سعادتمند و خوشا به حالش. و اگر چنین نیست، یا بایستی در زندگی خویش تجدید نظری نموده و برنامه اش را عوض کند و چراغ مودّت واقعی را در خانه دلش روشن نماید، تا به شاهره سعادتمند ابدی دست یابد؛ و یا طبق فرمایش خداوند، منتظر عقوبت خدا در دنیا و آخرت باشد که عقوبت او انواع و اقسام و مراحل و مراتب دارد و توضیح آن از حوصله این مقدمه بیرون است.

به سوی درجات عالی محبت

مطلب دیگری که در این راستا شایان توجه است این است:

دوستی کردن «مودّت»، جزء افعال اختیاری هر انسان است؛ و گرنه خداوند به آن امر نمی فرمود و مزد رسالت پیامبرش ﷺ قرار نمی داد. چرا که او هیچ گاه بندگان را به امری که خارج از اختیارشان باشد تکلیف نمی کند.

بلکه بعد از ابلاغ مسأله محبت این پاکان عالم وجود، توسط رسول خدا ﷺ، بر هر انسانی واجب است که به اختیار خودش پس از پذیرش ولایتشان در مقام اظهار محبت و دوستی آنان برآید.

بنابراین، بدون تردید همه انسان ها می توانند این مودّت را داشته باشند و بر محبت خود بیفزایند و درجات بالاتری را به دست آورند.

اکنون باید دید از چه راه می توان درجات عالیّه محبت را به دست آورد؟ عواملی که موجب افزایش محبت می گردد مختلف و متعدّد است، در اینجا ما به ذکر سه عامل، که هر کدام اقسامی دارد، اکتفا می کنیم:

۱- شکر نعمت

نخستین عاملی که باعث افزایش محبت است شکرگزاری نسبت به آن مقدار محبتی است که هر انسانی آن را دارا است؛ چرا که یکی از نعمت های بزرگ خداوند برای انسان، وجود امام معصوم علیه السلام و پذیرش مقام ولایت اوست. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه **﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾**^۱؛ «خداوند نعمت های ظاهری و باطنی خویش را برای شما تمام نمود» می فرماید:

«أَمَّا النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ فَهُوَ النَّبِيُّ وَمَا جَاءَ بِهِ مِنْ مَعْرِفَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَتَوْحِيدِهِ. وَأَمَّا النِّعْمَةُ الْبَاطِنَةُ فَمَا يَتَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ وَعَقْدُ مَوَدَّتِنَا.

فَاعْتَقِدْ أَنَّ اللَّهَ قَوْمٌ هَذِهِ النِّعْمَةُ الظَّاهِرَةُ وَالْبَاطِنَةُ. وَأَعْتَقِدْ أَنَّ قَوْمَ ظَاهِرِهِ وَلَمْ يَعْتَقِدُوا بِالْبَاطِنَةِ.»^۲

«مراد خداوند از «نعمت ظاهری»، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و آنچه او برای سعادت بشر به ارمغان آورده می باشد که عبارت است از: شناخت خداوند، توحید و یگانه پرستی.

و مراد از «نعمت باطنی»، پذیرش ولایت ما خاندان، و دوستی کردن با ماست. به خدا سوگند! گروهی از مردم هر دو نعمت را پذیرفته و به آن اقرار نمودند، و گروهی فقط نعمت ظاهری را پذیرفتند و به نعمت باطنی معتقد نگردیدند.»

با توجه به این حدیث نورانی، می توان گفت: تنها نعمتی که همه نعمت های خداوند وابسته به آن است: نعمت «ولایت و محبت امیرالمؤمنین و فرزندان معصوم

۱. سوره لقمان: آیه ۲۰.

۲. التفسیر القمی: ج ۲، ص ۱۶۵؛ بحار الانوار: ج ۲۴، ص ۵۲.

آن بزرگوار - سلام الله عليهم اجمعين - است.»

از این رو، در روز غدیر، پس از آن که پیامبر اکرم ﷺ مسأله خلافت و وصایت بلافضل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب ﷺ را به مردم ابلاغ فرمود و از آن‌ها درخواست نمود که ولایت آن حضرت را بعد از خودش بپذیرند، این آیه نازل شد:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾^۱

۱. سورة مائدة: آیه ۳.

خطیب بغدادی (از علمای عامه) در تاریخ بغداد: ج ۸، ص ۲۸۴، شأن نزول آیه فوق را چنین روایت می‌کند:

«عن أبي هريرة، قال: «من صام يوم ثمان عشرة من ذي الحجة، كتب له صيام ستين شهراً، و هو يوم غدیر خم لما أخذ النبي ﷺ بيد علي بن أبي طالب ﷺ فقال: «أَلَسْتُ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ؟»

قالوا: بلى يا رسول الله!

قال: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْهِ مَوْلَاهُ»

فقال عمر بن الخطاب: بَخٍ يَخُ لَكَ يَا أبا طالب! أَصَحَبْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ!!

فأنزل الله: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ﴾

وَمَنْ صَامَ يَوْمَ سَبْعَةِ عَشْرٍ مِنْ رَجَبٍ، كُتِبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ يَوْمًا وَهُوَ أَوَّلُ يَوْمٍ نَزَلَ جِبْرِيلُ ﷺ عَلَى مُحَمَّدٍ ﷺ بِالرِّسَالَةِ.»

«ابو هریره گوید: هر کس روز هیجدهم ماه ذی الحجه را روزه بگیرد، ثواب شصت ماه روزه برایش نوشته می‌شود. و هیجدهم ذی الحجه روز غدیر خم بود که چون پیامبر ﷺ دست علی بن ابی طالب ﷺ را گرفته و فرمودند: «ایا من اولی به نفس تمام مؤمنان نیستم؟»

همه گفتند: چرا ای رسول خدا!

فرمودند: «هر که من مولای اویم (این) علی مولای اوست.»

عمر بن خطاب گفت: گوارایت باد، گوارایت باد، ای پسر ابی طالب! امروز تو مولای من و مولای هر مسلمانی گشتی!!!

پس (از این اعلام پیامبر گرامی اسلام ﷺ) خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾: «امروز دینتان را کامل کردم...».

پس ابو هریره اضافه می‌کند: و هر کس روز بیست و هفتم ماه رجب را روزه بدارد ثواب شصت ماه روزه برایش نوشته می‌شود. و بیست و هفتم رجب، اولین روزی بود که جبرئیل برای تسلیم امر رسالت بر خاتم انبیا حضرت محمد مصطفی ﷺ نازل گردید.»

جالب اینجاست که ابو هریره با تمام عناد و دشمنی که داشت، ثواب روزه روز غدیر را با ثواب روزه روز مبعث یکی می‌شمرد. ﴿إِنْ فِي ذَلِكَ لَظِكْرٌ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ﴾ (سوره ق: آیه ۳۷).

علامه امینی -رحمة الله عليه- در کتاب نفیس «الغدیر» جلد یکم برای نزول این آیه در روز غدیر مدارک دیگری از اهل سنت ذکر کرده که اعتبار حدیث را ثابت می‌نماید.

«امروز (که ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام رسماً به شما مردم ابلاغ شد) دینتان را کامل، و نعمت را بر شما تمام کردم؛ و از اسلامتان خوشنود شدم.»

اکنون که روشن شد، برترین و کامل ترین نعمت‌ها، نعمت ولایت اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است؛ و از طرفی خداوند تضمین کرده که هر کس نعمتی از نعمت‌های او را شکر گزار باشد نعمتش را بر او افزون خواهد کرد، آنجا که می‌فرماید:

﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾^۱

«اگر شکر نعمت‌های مرا بجا آورید نعمتم را بر شما افزون کرده و اگر کفران کنید همانا عذاب من سخت و شدید است.»

کفر نعمت از کفّت بیرون کند

شکر نعمت، نعمت افزون کند

نتیجه می‌گیریم: شکر گزاران نسبت به محبتی که انسان دارای آن است، موجب افزایش آن محبت می‌گردد.

البته علما و دانشمندان، برای «شکر»، اقسام و مراتبی بیان کرده‌اند که عبارتند از: «شکر قلبی»، «شکر زبانی» و «شکر عملی»، که هر یک در جای خود موجب افزایش نعمت می‌شود؛ ولی ما برای رعایت اختصار، از بیان تفصیلی آن صرف نظر می‌کنیم.

۲- کسب معرفت

دومین عامل مهمی که در ازدیاد محبت مؤثر است، معرفت اهل بیت علیهم السلام می‌باشد؛ چون هر چه شناخت انسان به شخص صاحب کمال و جمال بیشتر گردد، محبتش به او زیادتر گشته، دلش به سوی او مایل تر شده و با تمام وجود دلباخته و شیفته‌اش می‌گردد.

اگر ما به مقام والای حضرت زهرا و فرزندان معصوم آن بزرگوار علیهم السلام پی ببریم و

سطح شناختمان نسبت به آن بزرگواران بالا و بالاتر رود، محبتمان به آنان بیش از این خواهد گشت.

اگر بدانیم: آنان سبب خلقت و وجود ما هستند، و اگر نبودند خداوند احدی را نمی آفرید و در این عالم، به هیچ موجودی نعمت و جود و بقا را عنایت نمی فرمود، همان گونه که وقتی حضرت آدم علیه السلام انوار خمسۀ طیبہ را می بیند از خدا سؤال می کند: اینها کیانند که پیش از من آفریده‌ای؟ خطاب می رسد:

«هُؤُلَاءِ خَمْسَةٌ مِنْ وَلَدِكَ، لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُكَ، هَؤُلَاءِ خَمْسَةٌ شَقَقْتُ لَهُمْ خَمْسَةَ أَشْيَاءَ مِنْ لَسْمَانِي لَوْلَاهُمْ مَا خَلَقْتُ الْجَنَّةَ وَلَا النَّارَ وَلَا الْعَرْشَ وَلَا الْكُرْسِيَّ وَلَا السَّمَاءَ وَلَا الْأَرْضَ وَلَا الْمَلَائِكَةَ وَلَا الْأَنْسَ وَلَا الْجِنَّ.»^۱

«ای آدم! اینان (حسن، حسین علیهم السلام) پنج تن از فرزندان توند، که اگر ایشان نبودند، من نمی آفریدم. اینان پنج ذات مقدسی هستند که اسامی آن‌ها را از اسامی خود جدا کرده‌ام. اگر اینها نبودند بهشت و دوزخ را نمی آفریدم، عرش، کرسی، آسمان، زمین، فرشتگان، انسان‌ها و اجنه را خلق نمی کردم.»

آری! اگر ما سبب آفرینش خود را شناخته و بدانیم که اگر محمد و آل محمد علیهم السلام نبودند خداوند هیچ نعمتی را - از نعمت و جود و حیات گرفته تا نعمت عقل و شعور و دیگر نعم الهی که قابل شمارش نیستند - به ما عنایت نمی کرد.

از طرفی، اگر نیازمان را به این ذوات مقدسه در هنگام مرگ، قبر، برزخ، قیامت، هنگام سنجش و عرض اعمال به پیشگاه خداوند، لحظۀ عبور از صراط و سایر مواقف هولناک آن جهان دریافته و بفهمیم که دستگیر و نجات دهنده‌ای در آن عالم جز این بزرگواران نداریم، و بلکه تمام قبض و بسط آن عالم و این جهان از خیم ابروی

۱. احقاق الحق: ج ۹، ص ۲۵۳ و ۲۵۴، ح ۵۴؛ شرح الاخبار: ج ۲، ص ۵۰۰، ضمن حدیث ۸۸۷؛ قصص الانبیاء، للزوائد: ص ۴۸؛ بحار الانوار: ج ۲۷، ص ۵، ضمن حدیث ۱۰؛ الغدير: ج ۲، ص ۳۰۰.

اینان سر مشق می گیرد؛

اگر همه این مسایل را به خوبی درک کنیم و محبت به ایشان را تنها سرمایه سعادت و خوشبختی خود در دو عالم بدانیم، علاقه دیگری به آن ها پیدا می کنیم؛ به گونه ای که تمام هستی خود را در طبق اخلاص نهاده تا ذره ای از آب حیات بخش معرفتشان را نوشیده، و به مدارج عالی محبت و ولایتشان دست یابیم!

ناگفته نماند: معرفت و شناختی که پایه و اساس محبت است، اصل آن بسته به اعطای خداوند است؛ یعنی: اوست که خود، انبیا و حجّت هایش را به مردم معرفی می کند.

صفوان بن یحیی از امام رضا علیه السلام می پرسد: «آیا معرفت، کار مردم است که باید آن را تحصیل کنند؟»

امام علیه السلام می فرماید: نه، کار مردم نیست.

می پرسد: آیا در این صورت در قبال معرفتشان اجر و مزدی از خداوند دریافت می کنند؟

حضرت می فرماید: آری، خداوند در آن ها منت نهاده که معرفت عطایشان کرده و (در نتیجه، به خاطر پیمودن راه هدایت) اجر و پاداش عظیمی می فرماید.^۱

از منابع و مدارک ما چنین استفاده می شود: خداوند به ما ان معصوم علیه السلام را به همه خلقتش شناسانده، و مقامات ایشان را برای همگان روشن ساخته؛ منتها جمعی به آنان معتقد گشته و معرفتشان را پذیرفته اند و گروهی نپذیرفته و منکر ایشان شده اند.

در زیارت جامعه چنین می خوانیم:

«... حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا غَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَبِّيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا فَاجِرٌ طَالِعٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةُ أَمْرِكُمْ»

۱. عن صفوان بن يحيى قال: «سألت الرضا عليه السلام عن المعرفة: هل للعباد فيها صنع؟

قال عليه السلام: لا.

قلت: لهم فيها أجر؟

قال عليه السلام: نعم، تطول عليهم بالمعرفة و تطول عليهم بالصواب. (تحف العقول: ص ۴۴۴-۴۴۵)

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ وَكَيْبَرُ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ
وَشَرَفَ مَحَلَّتِكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ
مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ...»^۱

«... تا آنجا که هیچ فرشته مقرب و پیامبر مرسل و هیچ صدیقی و شهیدی و دانشمندی و جاهلی و پست فرومایه‌ای و ارجمند والایی و مؤمن شایسته‌ای و فاجر وامانده‌ای و جبار سرکشی و شیطان متمردی و خلقی که بین آن‌ها گواه باشد، نیست جز آن که خداوند جلالت قدر، عظمت شأن و بزرگواری و مقام رفیع شما را به آن‌ها شناسانده و معرفی کرده، و نور تمام و تمام، منزلت‌های راستین، مقام ثابت، شرافت رتبه، منزلت در نزد خدا و کرامت شما در نزد او و اختصاص و نزدیکی شما به حق، همه را برای تمام آفریدگانش روشن ساخته است...»

خلاصه آن که، خداوند این بزرگواران و مقامات عالیه آنان را به همه مخلوقاتش شناسانده و پس از شناساندن، آن دسته از افرادی را که طالب محبتشان بیابد محبت عنایت می‌فرماید؛ و چون معرفت اینان بسته به اعطای خداوند است می‌توان گفت: یکی از عواملی که ظرف وجود انسان را لایق معرفت این بزرگواران می‌نماید توسل و درخواست از خداوند - جل و علا - است.
در فرازهای پایانی زیارت جامعه می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَيِّمَةِ
الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ أَشَأْلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي
فِي جُمْلَةِ الْغَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفِي زُمْرَةِ الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ
الرَّاحِمِينَ»^۲

۱. من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۶۱۳ - ۶۱۴؛ تهذیب الأحکام: ج ۶، ص ۶۸؛ المزار للمشهدی: ص ۵۲۹ - ۵۳۰؛ بحار الانوار: ج ۹۹، ص ۱۳۰.

۲. من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۶۱۷؛ تهذیب الأحکام: ج ۶، ص ۱۰۰؛ بحار الانوار: ج ۹۹، ص ۱۳۳.

«خداوند! اگر من شافعانی نزدیک‌تر به تو از محمد و آل محمد علیهم‌السلام که همه امامان نیک رفتار و درست‌کردارند می‌یافتم، آن‌ها را به درگاه تو شفیع قرار می‌دادم؛ پس تو را به حق واجبی که برای آن‌ها از مردم خواسته‌ای سوگند می‌دهم که مرا در زمره عارفان ایشان و حقشان و در ردیف رحمت‌شدگان به شفاعتشان قرار دهی، که تو مهربان‌ترین مهربانان عالمی».

و در دعای عصر غیبت امام زمان علیه‌السلام از خدای مهربان چنین تقاضا می‌کنیم:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي.»^۱

«پروردگار! خود را به من بشناسان، که اگر خودت را به من نشناسانی رسول تو را نمی‌شناسم. پروردگار! رسولت را به من بشناسان، که اگر رسولت را به من نشناسانی حجت تو را نمی‌شناسم. پروردگار! حجت خود را به من بشناسان، که اگر حجتت را به من نشناسانی از دینم گمراه می‌گردم.»

از این نمونه دعاها و زیارات استفاده می‌شود. دینا، خود موجب افزایش معرفت و در نتیجه از دیاد محبت می‌گردد؛ صرف نظر از آیات و روایات متعددی که کلید رستگاری و رسیدن به تمام کمالات روحی را منحصر در دعا می‌شمارد.

۳- مطالعه تاریخ اهل بیت علیهم‌السلام

سومین عاملی که در افزایش محبت انسان تأثیر به‌سزایی دارد، مطالعه حالات و تاریخ زندگانی اهل بیت پیامبر علیهم‌السلام و روایاتی که در فضایل و بیان مقامات ایشان وارد شده، می‌باشد. زیرا تاریخ زندگی اهل بیت علیهم‌السلام مملو از بزرگواری‌ها، برخوردهای کریمانه، کرامات و مقامات عالیّه آن ذوات مقدّسه است و بیانگر احسان‌ها و

محبت‌های بی نظیری است که قلب هر سنگی را نرم کرده و در خانه هر دلی برای خود جا باز می‌کند.

بدیهی است: اطلاع یافتن از سرگذشت بزرگوارانی که سرتاسر زندگی آن‌ها مملو از مهر، محبت و احسان و بزرگواری است بی اختیار انسان را - که تشنه محبت، عاطفه، زیبایی و کمال است - به سوی خود کشانده و همچون آهن ربایی قوی در جریم مغناطیس ولایت آن خاندان پاک علیه السلام قرار می‌دهد.

از طرفی، هنگامی که انسان در این میدان پناه گرفت، وارد دژ محکمی می‌شود که از شر شیطان در امان مانده و از فتنه‌های دنیا و عقوبت‌های آخرت نجات می‌یابد، این مطلب از وعده خداوند در حدیثی قدسی استفاده می‌شود. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمایش خداوند را چنین بیان می‌فرمایند:

«وَلَايَةُ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»^۱

«ولایت علی بن ابی طالب - مستحکم من است که هر کس وارد آن شود از عذاب من در امان خواهد ماند»

علاوه بر این، یکی از راه‌های کسب معرفت - که در میان عوامل دَوم از عوامل ازدیاد محبت یاد گردید - آشنایی با زندگی، حالات و کمالات این بزرگمردان آفرینش است. و این معنا از دو راه حاصل می‌شود:

۱- مطالعه تاریخ زندگی ایشان و دیدن کمالات و فضایل آن بزرگواران.

۲- شنیدن فرمایشات آن بزرگواران.

گرچه بهترین راه، همان آشنایی حضوری و محشور بودن با خود این ذوات مقدسه است، ولی این راه در زمان غیبت میسر نیست، مگر برای افراد خاصی از شیعیان که با تحصیل تقوا، پرهیز از گناه، اظهار محبت به امام عصر - ارواحنا فداه -، توسلات شدید و خدمت کردن به آن بزرگوار و شیعیانش، موفق به این فیض عظمی هستند.

شرح فضائل فاطمه زهرا

در این راستا، ما در این کتاب، به شرح چهل فضیلت از فضایل بانوی آفرینش فاطمه زهرا می پردازیم، و تکیه عمده ما بر فرمایشات پیامبر خدا و اهل بیت پاکش می باشد که در منابع عامه و خاصه نقل گردیده است.

البته گاهی نقلیات بعضی از بدخواهان را نیز یادآور می شویم. همانهایی که سعیشان بر پوشاندن فضایل فاطمه اطهر و شوهر و فرزندانش بوده، غافل از آن که فضایل آن بزرگوار بسان آفتابی است که دشمن هم نتوانسته آن را منکر شده و بپوشاند.^۱ بلکه خدا، همان فضایل را بر زبان آنان جاری ساخته و به دست ما رسانده تا آن گروه از دوستان حضرتش که در جستجوی محبت بیشتری به سرور زنان عالم هستند با مطالعه و تفکر در آن، قطره ای از دریای بیکران معرفت حضرتش را چشیده و بر سرمایه محبتشان - که سعادت و نیکبختی در دو جهان است - بیفزایند.

فضیلت نشر آثار و فضایل اهل بیت

با توجه به این که معرفت اهل بیت محضراً حضرت زهرا، ریشه تمام خیرات و برکات و منشأ دست یافتن به علوم ربوبی و کمالات معنوی است، و جایگاه ویژه ای در روایات ائمه طاهرين از نظر تأثیر در موفقیت انسان، و پذیرش اعمال عبادی دارد، بلکه عمل بدون معرفت و محبت آن حضرت هیچ گونه ارزشی ندارد؛ حتی انبیای اولوالعزم خدا با معرفت و توجهی که به این بانوی بزرگوار و پدر و همسر و فرزنداناش داشتند، به مقاماتی دست یافته و از مصایبی نجات یافته اند؛ از این رو، یکی از وظایف شیعیان، مخصوصاً علما و دانشمندان، کسب معرفت این ذوات مقدسه و نشر فضایل آن بزرگواران و آشنا ساختن دیگران با کمالات و معارف آنان است. به همین جهت، در مدارک معتبر ما، آثار عظیمی برای آن، ذکر شده است. به عنوان نمونه، به حدیثی که قطره ای از دریای بیکران علم فاطمه اطهر است و

۱. از باب: «وَمَنْ قَبِ شَهِدَ الْعَدُوَّ بِفَضْلِهَا / وَالْفَضْلُ مَا شَهِدَتْ بِهِ الْأَعْدَاءُ».

راهگشای علما و دانش دوستان به سوی مدارج عالیة کمال می باشد، اشاره می کنیم:
امام حسن عسکری علیه السلام می فرمایند:

«زنی خدمت صدیقه کبری فاطمه زهرا علیها السلام آمد و عرض کرد: من، مادری
از پا افتاده دارم که در نمازش به اشتباه می افتد. مرا نزد شما فرستاده تا برایش
کسب تکلیف کنم.

آنگاه سؤال کرد و حضرت جوابش را دادند. بار دوم سؤال کرد، جواب شنید. بار
سوم سؤالش را تکرار کرد، حضرت باز جواب دادند. تا ده بار سؤال نمود و
جواب شنید. از زیادی سؤالات شرمنده شد و گفت: ای دختر رسول خدا! شما را
به زحمت نیفکنده باشم!

حضرت زهرا علیها السلام فرمودند: بیا و از هر چه به ذهنت می رسد بپرس! آیا تو فکر
می کنی اگر کسی برای یک روز اجیر شود، تا بار سنگینی را بر فراز بامی برده و
در مقابل، سده را بر ستار مزد بگیرد، بردن این بار بر دوش او سنگینی می کند؟
گفت: نه.

فرمودند: برای هر سؤالی که ترا می پرسد و من به تو پاسخ می دهم به بیشتر از این
که میان زمین تا عرش را پر از سرواریدها، گرانها کرده و به من دهند، پاداش
می گیرم! بنابراین، من از آن شخص سزاوارترم به این که انجام این کار برایم
سنگین نیاید. از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمودند:
علما و دانشمندان شیعیان ما، روز قیامت محشور می شوند. در حالی که به اندازه
علوم و کوششان در مسیر هدایت بندگان خدا، به آنان خلعت کرامت عطا
می شود. تا آنجا که به یکی از آنان یک میلیون خلعت نور عطا می گردد. آنگاه
منادی پروردگارمان ندا سر می دهد:

اَيُّهَا الْكَافِرُونَ لَا يَتَنَامُ آلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، النَّاعِشُونَ لَهُمْ عِنْدَ انْقِطَاعِهِمْ عَنْ آبَائِهِمْ
الَّذِينَ هُمْ أَيْمَنُهُمْ! هَؤُلَاءِ تَلَامِيذُكُمْ وَالْآيَتَامُ الَّذِينَ كَفَلْتُمُوهُمْ وَنَعَسْتُمُوهُمْ
فَاخْلَعُوا عَلَيْهِمْ كَمَا خَلَعْتُمُوهُمْ خَلَعَ الْعُلُومُ فِي الدُّنْيَا.

فَيَخْلَعُونَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْ أَوْلِيكَ الْآيَتَامُ عَلَى قَدَرِ مَا أَخَذُوا عَنْهُمْ مِنْ
الْعُلُومِ حَتَّى أَنْ فِيهِمْ - يَعْنِي فِي الْآيَتَامُ - لِمَنْ يُخْلَعُ عَلَيْهِ مِائَةُ أَلْفِ خِلْعَةٍ وَ

كَذَلِكَ يَخْلَعُ هَؤُلَاءِ الْإِيْتَامُ عَلَى مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُمْ.
ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: أَعِيدُوا عَلَى هَؤُلَاءِ الْعُلَمَاءِ الْكَافِلِينَ لِلْإِيْتَامِ حَتَّى تَتِمَّ لَهُمْ
خِلَعُهُمْ وَتَضَعُوها لَهُمْ.
فَيَمِّمُ لَهُمْ مَا كَانَ لَهُمْ قَبْلَ أَنْ يُخْلَعُوا عَلَيْهِمْ وَيُضَاعَفُ لَهُمْ وَكَذَلِكَ مَنْ
بِمَرَّتَبَتِهِمْ مِمَّنْ يُخْلَعُ عَلَيْهِ عَلَى مَرَّتَبَتِهِمْ.

ای کسانی که عهده دار کارهای ایتام آل محمد علیهم السلام بوده و آن‌ها را به هنگام
جدایی از پدرانشان - که امامان آن‌ها هستند - سربلند و نیکو سرپرستی کردید!
اکنون اینان شاگردان شما و ایتمی هستند که عهده‌دار کارشان بوده و عزیز و
سربلندشان ساختید، پس همان گونه که در دنیا لباس علم بر افکارشان پوشانید،
هم اکنون از خلعت های بهشتی بر اندامشان بپوشانید.

در این هنگام علمای شیعه برتن هریک از شاگردان خویش به مقدار علم و
دانشی که از آن‌ها گرفته از لباس‌های نورانی بهشتی می‌پوشانند.

حتی در میان این ایتم و شاگردان کسانی هستند که صد هزار خلعت نورانی بر او
پوشانده می‌شود. همچنان که این ایتم بر اندام کسانی که از آن‌ها علم آموخته‌اند،
لباس‌های بهشتی می‌پوشانند. آنگاه خداوند به مأموران خویش می‌فرماید:

بر این علمایی که سرپرستی ایتم آل محمد علیهم السلام را عهده دار بودند بار دیگر خلعت
بهشتی پوشانده و آن‌ها را چند برابر سازید تا خلعت‌های آنان تمام و کامل گردد.
فرشتگان الهی خلعت‌هایشان را کامل نموده و قبل از آن که کسی بر آن‌ها لباس
بپوشاند لباس‌های نورانی آنان را چندین برابر می‌سازند. و همچنین بر کسانی که
در مرتبه آنان بر اساس رتبه و مقامشان خلعت داده شده است.

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از نقل این حدیث از پدر بزرگوارشان، فرمودند:

ای کنیز خدا! یک رشته نخ از این لباس‌های بهشتی، یک میلیون برابر از آنچه
آفتاب بر آن می‌تابد، برتر است. بلکه قابل سنجش با آن نیست، زیرا آنچه آفتاب
بر آن می‌تابد، آمیخته با تیرگی و کدورت است! ^۱

۱. التفسیر للامام الحسن العسکری علیه السلام: ص ۳۴۰؛ عوالم العلوم: ج ۲/۱۱ ص ۹۰۷؛ بحار الانوار: ج ۲، ص ۳ و ج ۷، ص ۲۲۴؛ منیة المرید شهید ثانی: ص ۱۱۵-۱۱۶؛ مستدرک الوسائل: ج ۱۷، ص ۳۱۷-۳۱۸.

کتاب حاضر و انگیزه تألیف آن

آنچه ما را بر این کار برانگیخت و انگیزه تألیف این کتاب گردید، این بود که روایاتی که در ارتباط با فضایل حضرت زهرا علیها السلام رسیده، دارای مباحثی است که بخشی از آن، مشتمل بر معارف بلندی در ارتباط با مقامات عالیّه آن بانوی یکتای آفرینش است، و چه بسا از دسترس عقول به دور و هر کسی را یارای تحمّل آن نمی باشد، بلکه فهم آن نیاز به شرح و تفسیر اهلش و توضیح بطون کلمات اهل بیت علیهم السلام دارد.

به خصوص که بخشی از این فضایل در روایات مختلف به صورت پراکنده نقل شده و هر روایت به فراخور حال راوی و کسانی که آن را در مجلس می شنیدند صادر شده و در مجموع مشتمل بر اسراری است که دست یافتن به آن نیازمند به دقت زیاد، مراجعات مکرر، فقه الحدیث و جمع بین روایات است، که این امور برای عموم مردم و گاهی خواص از ایشان نیز - گرفتاری ها و مشغله هایی که دارند - میسر نیست.

گرچه بضاعت علمی ما در این وادی بسیار ناچیز است و قطره ای از دریا هم به حساب نمی آید، اما از باب «مَا لَا يُدْرِكُ كُلَّهُ لَا يَتْرُكُ كُلَّهُ»، و با امید به شفاعت بانوی بانوان؛ بر آن شدیم که با استمداد از آن بانوی مقدّس، چنان فضیلت از فضایل آن ملکه آفرینش را موضوع بحث قرار داده و جهاتی را که نوعاً بررسی نشده است، شرح و تفسیر نموده، و بابی از ابواب معرفت ملکه آفرینش علیها السلام را به روی طالبان معرفتش بگشاییم؛

و بدین وسیله، کسانی که با بطن، یا متن فضایل آن حضرت، آشنایی چندانی ندارند و در جستجوی معرفت بیشتری به سرور زنان بهشتی هستند تا حدودی - ولو اندک - گمشده خود را یافته و به خاطر نفهمیدن روایتی، از پذیرش فضایل دخت گرامی رسول خدا صلی الله علیه و آله ابا نکرده و فرمایشات پیامبر و آل پاکش علیهم السلام را رد نکنند تا خدای ناکرده منجر به انکار آن ذوات مقدّسه و پدید آمدن روح ارتداد در انسان گردد. روشن است که در برخورد با روایاتی که انسان معانی بلند آن ها را نمی فهمد یا باید

دنبال فهم و درایت حدیث بر آمده و با کسانی که معانی کلمات اهل بیت را می‌دانند، و قادر بر جمع بین سخنان آن بزرگوارانند، مشورت نماید، و یا در مورد آن‌ها توقف کرده و علمش را به خود آنان واگذار نماید.

ما در این کتاب سعی کردیم که به مناسبت هر حدیثی به گوشه‌ای از فضایل و مطالب مندرج در آن اشاره‌ای بنماییم، نه این که تمام مطالب مربوطه، مورد بحث و بررسی قرار گیرد. به این امید که باب تحقیق در فضایل و مقامات عالیّه اُمّ الأئمّه، به روی اهل تحقیق گشوده گشته و انگیزه جستجو در سایر مقامات و کمالات بانوی یکتای آفرینش، در اهل معرفت، ایجاد گردد.

لازم به تذکر است که در این کتاب، برگردان آیات و روایات به فارسی به صورت آزاد، با رعایت امانت در ترجمه انجام گرفته است، تا برای خوانندگان ملال آور و خسته کننده نباشد.

اکنون که خداوند این توفیق را بنسیب اینجانب کرد و سعادت خدمت ناچیزی به بانوی آفرینش فاطمه زهرا را به کمترین خادم فرزندش، امام عصر - ارواحنا فداه - عنایت فرمود بر خود لازم می‌دانم، از تمام کسانی که در مراحل چاپ و نشر این مجموعه حدیثی، زحمت کشیده و اینجانب را یاری نمودند، تشکر کرده و از مولایم امام زمان برایشان طلب اجر نمایم.

از خوانندگان محترم، مخصوصاً علما، دانشمندان و اهل قلم و تحقیق تقاضا دارم چنانچه خطا و لغزشی مشاهده کردند، نادیده گرفته و با تذکر ناصحانه خود، مرابیش از پیش مورد لطف قرار دهند.

۱۳ جمادی الاول ۱۴۲۱

سال روز شهادت حضرت زهرا

محمد حسین یوسفی